

ارزیابی یکنواختی گزارشگری طرحهای بازنشستگی در صورت‌های مالی شرکتها

علی رحمانی*

زهرة بیاتی**

چکیده

حسابداری طرحهای بازنشستگی، موضوعی بحث برانگیز در حسابداری می‌باشد. نحوه انعکاس تعهدات طرحهای بازنشستگی با مزایای معین در صورت‌های مالی شرکتها با توجه به فقدان استاندارد حسابداری در ایران اهمیت زیادی دارد و بسیاری از استفاده کنندگان صورت‌های مالی علاقه‌مندند که درک صحیحی از گزارشگری طرحهای بازنشستگی داشته باشند. تعداد شرکت‌های دارای این نوع طرحها که در سال‌های اخیر در بورس اوراق بهادار تهران پذیرش شده‌اند، افزایش یافته است و لذا پیامدهای اقتصادی مربوط به اندازه‌گیری و انعکاس این تعهدات نیز مورد توجه قرار گرفته است.

* استادیار گروه حسابداری دانشگاه الزهراء rahmani@alzahra.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری

تحقیق حاضر یکنواختی گزارشگری طرحهای بازنشتگی در صورتهای مالی شرکتها و لزوم تدوین یک استاندارد جدید در این زمینه را بررسی می‌کند. جامعه و نمونه تحقیق شامل ۹ شرکت و بانک است که طرحهای بازنشتگی با مزایای معین داشته‌اند. قلمرو زمانی تحقیق، سال ۱۳۸۸ می‌باشد. همچنین از طریق پرسشنامه دیدگاه بعضی از صاحب نظران و دست اندرکاران تهیه و یا استفاده از صورتهای مالی جمع‌آوری شده است. از آزمون‌های دو جمله‌ای (نسبت) و کای دو و همچنین آزمون میانگین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که در گزارشگری طرحهای بازنشتگی در صورتهای مالی کارفرما یکنواختی وجود ندارد و شرکتها از شناخت، بیشتر از افشا استفاده می‌کنند. با این وجود نارسایی‌هایی در نحوه شناخت و افشا وجود دارد. همچنین از دید استفاده کنندگان صورتهای مالی ارائه اطلاعات طرحهای بازنشتگی سودمند است، بنابراین به اعتقاد آنها تدوین یک استاندارد جدید در این زمینه ضرورت دارد. واژه‌های کلیدی: طرحهای بازنشتگی، طرحها با مزایای معین، تعهدات بازنشتگی، گزارشگری مالی

مقدمه

حسابداری طرحهای بازنشتگی موضوعی است که طی سالهای اخیر در مجامع حرفه‌ای دنیا بسیار به آن پرداخته شده است. طبق چارچوب نظری حسابداری مالی، گزارشگری مالی باید اطلاعات مربوط، قابل اتکا و کامل را ارائه کند. بنابراین نحوه ارائه طرحهای بازنشتگی با مزایای معین که بخشی از گزارشگری مالی محسوب می‌شود نیز باید جهت بهبود گزارشگری در نظر گرفته شود. چرا که بدهیهای طرح جزء تعهداتی است که شرکت ملزم به ایفای آنهاست و استفاده کنندگان صورتهای مالی و هر گروه ذینفع دیگری مایلند از توان واحد گزارشگری جهت ایفای این تعهدات مطلع شوند. طرحهای بازنشتگی تنها یک موضوع مورد علاقه برای مدیریت شرکت، سهامداران، اعتبار دهندگان، تحلیل‌گران و سایر مشارکت کنندگان بازار سرمایه نیست، بلکه این موضوع برای میلیونها نفر از کارکنانی که

بازنشته خواهند شد اهمیت دارد. از طرف دیگر ارائه منصفانه گزارشهای مالی طبق چارچوب نظری حسابداری مالی ضروری است و عدم شناخت تعهدات مزایای بازنشتگی می‌تواند نتایج اقتصادی نیز به همراه داشته باشد. برای مثال شناسایی بدهیهای بازنشتگی بر ظرفیت استقراض شرکت بی‌تاثیر نیست و در مورد بانکها بر ظرفیت فعالیت آنها موثر است. بنابراین اگر تعهدات مربوط به مزایای بازنشتگی در متن صورتهای مالی ارائه نشود، بدهیهای مؤسسه کمتر از واقع گزارش گردیده و کامل بودن صورتهای مالی زیر سؤال می‌رود و از طرفی استفاده کنندگان صورتهای مالی نمی‌توانند به خوبی شرکت را ارزیابی کنند. همچنین سود شرکت نیز به درستی اندازه‌گیری نمی‌شود. پژوهش حاضر در راستای بررسی این موضوع، به نحوه گزارشگری این طرحها در صورتهای مالی کارفرمایان پرداخته و در ادامه یک ارزیابی از نیاز استفاده کنندگان و ضرورت تدوین استاندارد جدید صورت گرفته است.

در این مقاله، پس از بیان مسئله و فرضیه‌های تحقیق، توصیفی مختصر از طرحهای بازنشتگی و انواع آن ارائه می‌گردد. سپس به مبانی نظری گزارشگری طرحهای بازنشتگی در صورتهای مالی کارفرمایان و تحقیقات قبلی پرداخته می‌شود. در ادامه روش اجرای تحقیق و تحلیل داده‌ها تشریح و در نهایت نتایج و پیشنهادات تحقیق ارائه می‌شود.

بیان مسئله

بررسی نحوه گزارشگری طرحهای بازنشتگی با مزایای معین با توجه به فقدان استاندارد حسابداری در ایران، اهمیت زیادی دارد. علیرغم اینکه هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا طبق استاندارد شماره ۱۵۸ و هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی در استاندارد شماره ۱۹ به روشنی به این مقوله پرداخته و رهنمودهایی ارائه کرده‌اند، اما در ایران رهنمود مشخصی وجود ندارد. تعدادی از بانکهای دولتی و بانک مرکزی، دارایی‌ها و تعهدات بازنشتگی را زیر خط ترازنامه گزارش و یا در یادداشتهای پیوست افشا می‌کنند. برخی از شرکتهای

همانند بانکهای دولتی تازه خصوصی شده و نیز شرکتهای مخابرات ایران و پالایش نفت اصفهان در زمان ورود به بورس ملزم به شناخت این تعهدات شدند. برخی دیگر از شرکتهای همچون فولاد مبارکه اصفهان از روش نقدی استفاده می‌کنند و مبالغی را تحت عنوان کمک به صندوق بازنشستگی فولاد هزینه می‌کنند که این خود آثار و نتایجی را به همراه دارد. اگرچه ممکن است تعداد شرکتهایی که طرح بازنشستگی با مزایای معین دارند در ایران کم باشد ولی اندازه این شرکتهای و سهم آنها در صنعت مربوط قابل توجه می‌باشد. ضمن این که همه شرکتهای طبق ماده ۳۱ قانون کار به لحاظ پرداخت مزایای پایان خدمت بر مبنای آخرین حقوق به نوعی درگیر این نوع طرحها می‌باشند.

پیامدهای اقتصادی موضوع نیز ایجاب می‌کند که در گزارشگری مالی تعهدات بازنشستگی یکنواختی و وحدت رویه وجود داشته باشد. بدهیهای طرح بازنشستگی جزء تعهداتی است که شرکت ملزم به ایفای آنهاست و اطلاع از توان واحد گزارشگر جهت ایفای این تعهدات برای کلیه استفاده کنندگان و گروههای ذینفع مفید می‌باشد. هزینههای مربوط نیز می‌تواند بر ارزشگذاری شرکتهای و سهام آنها و نقل و انتقال ثروت بین سهامداران فعلی و آینده اثر گذار باشد. برای مقام ناظر بازار پول و سرمایه نیز شفافیت اندازه‌گیری و گزارشگری تعهدات بازنشستگی بسیار اساسی است. در حوزه بازار سرمایه، علیرغم نبود استاندارد، از سال ۱۳۸۶ بورس شرکتهای را ملزم به شناخت تعهدات نموده است. در حوزه بازار پول نیز اگر این اتفاق نیفتد میتواند پیامدهایی داشته باشد. برای مثال نسبت کفایت سرمایه یک بانک دولتی که وارد بورس شده است به دلیل شناخت این تعهدات از ۷/۹ به ۴/۹ کاهش یافته است. اگر بانکهایی که دولتی مانده‌اند این تعهدات را شناسایی نکنند، یک رقابت نابرابر در حجم اعطای تسهیلات و گسترش فعالیت، بر بانکهای خصوصی شده تحمیل خواهد شد. ضمن اینکه عدم انعکاس بدهیها با مقررات بال ۲ نیز ناسازگار است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع ضروری به نظر می‌رسد که نحوه گزارش این طرحها در نبود استاندارد حسابداری مرتبط در ایران بررسی و شواهد تجربی به طریق علمی جمع‌آوری گردد. این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسشهای زیر

می باشد:

- ۱) روشهای مورد استفاده در گزارشگری تعهدات بازنشستگی طرحها با مزایای معین در ایران چگونه است؟
- ۲) آیا یکنواختی در گزارشگری طرحهای بازنشستگی با مزایای معین وجود دارد؟
- ۳) دیدگاه استفاده کنندگان در مورد نحوه گزارش اطلاعات طرحهای بازنشستگی با مزایای معین چیست؟
- ۴) آیا ضرورتی به تدوین استاندارد حسابداری برای این موضوع وجود دارد؟

۳) فرضیه‌های تحقیق

همانطور که پیشتر گفته شد هدف اصلی این پژوهش بررسی چگونگی گزارشگری تعهدات بازنشستگی طرحها با مزایای معین است. بر این اساس و بر مبنای پیشینه پژوهش چهار فرضیه تحقیق به شرح زیر مطرح می‌گردد:

- ۱) در گزارشگری مالی طرحها با مزایای معین از افشا نسبت به شناخت، بیشتر استفاده می‌شود.

- ۲) در گزارشگری تعهدات طرحها با مزایای معین یکنواختی وجود دارد.

- ۳) گزارش اطلاعات طرحها با مزایای معین برای استفاده کنندگان سودمند است.

- ۴) تدوین استاندارد حسابداری مالی در رابطه با طرحهای بازنشستگی با مزایای معین ضرورت دارد.

در این مقاله منظور از شناخت، شناسایی اقلام و درج آنها در متن صورتهای مالی و مقصود از افشا، ارائه اقلام در یادداشتهای پیوست صورتهای مالی یا گزارش آنها به عنوان اقلام زیر خط ترازنامه می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

انواع طرحهای بازنشستگی

طرح بازنشستگی معمولاً شامل ترتیباتی بین کارفرما و کارکنان برای پرداخت مستمری کارکنان طی دوران بازنشستگی آنها می‌باشد. متداول ترین ترتیبات

بازنشستگی برای تامین مزایای پس از بازنشستگی را می‌توان به دو گروه کلی طرحها با کمک معین^۱ و طرحها با مزایای معین^۲ طبقه بندی کرد. در یک طرح با کمک معین، کمک کارفرما و کارکنان به طرح طبق شرایط طرح مشخص می‌شود. در این نوع طرح، سود حاصل از سرمایه‌گذاری و ریسک از دست دادن داراییهای طرح بازنشستگی متوجه کارکنان می‌باشد. مسئولیت کارفرما صرفاً کمک به طرح طبق توافق به عمل آمده می‌باشد. مبالغی که تحت عنوان حق بیمه سهم کارفرما توسط شرکتها به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می‌شود، در واقع یک نوع طرح با کمک معین است.

در طرحها با مزایای معین که مورد نظر این مقاله است، مزایایی که کارکنان در زمان بازنشستگی یا پس از آن دریافت می‌نمایند، توسط کارفرما تعهد می‌گردد. مزایای بازنشستگی بر حسب مبلغ پولی مشخص و یا بر حسب یک فرمول عمومی بر مبنای حقوق و مدت خدمت تعریف می‌شود. مسئله مهم در این طرحها تعیین میزان کمکهای کارفرماست که باید امروز صورت گیرد تا در آینده امکان پرداخت تعهدات مزایای بازنشستگی را فراهم کند. برخی از کارفرمایان برای ایفای تعهدات، صندوق بازنشستگی ایجاد کرده‌اند. از لحاظ شکل قانونی صندوق بازنشستگی یک شخصیت جداگانه است، اما از لحاظ محتوای اقتصادی، داراییها و بدهیهای صندوق به کارفرما تعلق دارد. حسابداری طرحها با مزایای معین پیچیده است، زیرا مزایا بر حسب متغیرهای نامطمئن آینده مانند گردش کارکنان، نرخ مرگ و میر، طول خدمت کارکنان، سطح حقوق و مزایا و سود مورد انتظار تعریف می‌شود. (رحمانی، ۱۳۷۲). صندوق بازنشستگی بانکها نمونه‌ای از این گونه طرحها می‌باشد. بانکهای دولتی و سه بانک تازه خصوصی شده ملت، تجارت و صادرات ایران متعهدند بابت بازنشستگی کارکنان هر گونه کسری منابع مرتبط با کارکنان خود را به صندوق بازنشستگی بانکها پرداخت کنند.

یکی از ویژگی‌های طرحهای بازنشستگی این است که می‌تواند منحصر به یک یا

1. Defined Contribution Pension Plans
2. Defined Benefits Pension Plans

چند کارفرما^۱ باشد. طرحهای بازنشستگی چند کارفرمایی یکی از موضوعات توافقیهای پیمانهای دسته جمعی است که طبق آن، دو یا چند کارفرما می‌توانند مجری طرح باشند. (شباهنگ، ۱۳۸۲). مثلاً صندوق بازنشستگی کارکنان بانک مرکزی را می‌توان به عنوان طرح یک کارفرمایی و صندوق بازنشستگی کارکنان بانکها یا صندوق حمایت و بازنشستگی فولاد را می‌توان به عنوان طرح چند کارفرمایی نام برد.

تحقیقات حسابداری بازنشستگی

بارث و همکاران (۱۹۹۳)^۲ ارتباط ارزشی داراییها و بدهیهای بازنشستگی با قیمت سهام را با داده‌های ۳۰۰ شرکت امریکایی بین سالهای ۱۹۹۰-۱۹۸۷، بررسی کردند. دستاورد اصلی آنها این بود که ارزش منصفانه داراییها و تعهدات بازنشستگی که در یادداشتهای پیوست شرکتهای نمونه افشا شده بودند با قیمت سهام ارتباط معناداری داشتند، در حالی که این مسئله برای اطلاعات اضافی که برای اجزای هزینه بازنشستگی افشا شده بود مصداق نداشت. (بارث و همکاران، ۱۹۹۳).

دیویس - فرایدی و همکاران (۱۹۹۹)^۳ به بررسی و مقایسه ارتباط ارزشی اقلام مزایای پس از بازنشستگی افشا شده در یادداشتهای پیوست و شناسایی شده در متن صورتهای مالی پرداختند. آنها این گونه نتیجه گیری کردند که هم افشا و هم شناخت، توسط بازار سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد اما همبستگی بین اقلام مزایای پس از بازنشستگی و قیمت سهام، زمانی که این اقلام شناسایی می‌شوند بیشتر از زمانی است که تنها افشا می‌گردند. (دیویس - فرایدی و همکاران، ۱۹۹۹).

وایدمن و وایر (۲۰۰۴)^۴ تفاوت رفتار سرمایه گذاران بازار سرمایه در مقابل کسری و مازاد وجوه طرحهای بازنشستگی ۱۲۸ شرکت کانادایی را ارزیابی نمودند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که کسری وجوه نسبت به مازاد وجوه، رابطه نزدیکتری با قیمت سهام شرکتها دارد و به عبارتی، خالص داراییهای بازنشستگی شرکتها با

1. Single & Multi-Employer Plan
2. Barth et al, 1993
3. Davis-Friday et al, 1999
4. Weidman & Wier, 2004

طرحهای دارای وجوه مازاد، اصلاً در ارزش سهام آنها نمود ندارد. طبق نظر آنها، سرمایه گذاران به کسری وجوه به عنوان بدهیهای شرکت توجه دارند اما به مازاد وجوه به عنوان دارایی شرکت توجه چندانی ندارند. (وایدمن و وایر، ۲۰۰۴).

هان و همکاران (۲۰۰۷)^۱ ارتباط ارزشی اقلام بازنشستگی که بر اساس رهنمود بیانیه شماره ۸۷ شناسایی شده بودند را با ارتباط ارزشی اقلام بازنشستگی که به ارزش منصفانه در یادداشتهای پیوست افشا شده بودند مقایسه کردند. نمونه آنها از بین ۲۰۰۰ شرکت امریکایی بین سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۱ تشکیل شده بود. آنها ثابت کردند که شناخت کامل و بلادرنگ سود و زیان اکچوئری به شدت نوسان هزینه‌های بازنشستگی را افزایش می‌دهد و در نتیجه ثبات سود کاهش می‌یابد. (هان و همکاران، ۲۰۰۷).

این تحقیقات نشان دهنده تاثیر نوع و روش ارائه اطلاعات مرتبط با طرحهای بازنشستگی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اهمیت توجه به این حوزه در حسابداری می‌باشد.

رحمانی (۱۳۷۲) به بررسی حسابداری طرحهای بازنشستگی و مزایای پایان خدمت پرداخته است. وی صورتهای مالی ۶۳ شرکت را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که نحوه افشای اطلاعات طرحهای بازنشستگی بین شرکتهای متفاوت بوده و همچنین برای محاسبه مزایای پایان خدمت نیز از روش بیمه‌ای مناسبی استفاده نمی‌شده است. (رحمانی، ۱۳۷۲).

دشتبان (۱۳۷۳) به بررسی لزوم استفاده از مبنای حسابداری تعهدی برای بازخرید خدمت کارکنان در ایران پرداخته است. دشتبان دلیل عدم استفاده از تکنیکهای ارزیابی بیمه‌ای و برآورد هزینه‌ها و تعهدات را، عدم وجود استانداردهای حسابداری ملی در این زمینه می‌داند و نتیجه می‌گیرد که به این دلایل وجوه منظور شده در مبالغ ذخیره مزایای پایان خدمت با مبالغ پرداخت شده متفاوت است. وی برای رفع این مشکلات، پیش نویس یک استاندارد حسابداری را پیشنهاد نمود. (دشتبان، ۱۳۷۳).

1. Hann et al, 2007

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است که بخشی از آن از طریق مطالعه میدانی و اسناد کاوی و بخشی از طریق پیمایش انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکتهای دارای طرحهای بازنشستگی با مزایای معین می‌باشد که امکان دسترسی به اطلاعات آنها وجود داشته است. با بررسیهای انجام شده مشخص شد که تعداد ۲۰ صندوق بازنشستگی در ایران وجود دارد. از این بین ۳ صندوق از نوع طرح با کمک معین و ۱۷ صندوق با مزایای معین است که به اطلاعات ۹ شرکت عضو این صندوقها، دسترسی میسر گردید. فرضیه‌های ۱ و ۲ با استفاده از اطلاعات بدست آمده از صورتهای مالی نمونه انتخاب شده در سال ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار گرفت.

برای آزمون فرضیه ۳ و ۴ پیمایش انجام شد. جامعه آماری استفاده کنندگان در این تحقیق شامل سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی، نمایندگان آنها (تحلیل‌گران و کارگزاران)، مقام‌های ناظر بازار پول و سرمایه و اعتبار دهندگان می‌باشند و بر مبنای دسترسی به افراد این گروه‌ها و به صورت تصادفی نمونه‌گیری شدند. برای دستیابی به نمونه مورد نیاز تعداد ۱۶۵ پرسشنامه ارسال و ۸۵ پاسخ برگشت داده شد. تحلیل‌های آماری بر روی ۷۹ پرسشنامه که کامل بود، انجام شد.

الگوی تحلیلی پژوهش

عناصر مهم برای اتخاذ تصمیمات سودمند، مربوط و قابل اتکا بودن اطلاعات است، بنابراین اطلاعات باید کامل و به موقع ارائه شود تا مربوط و قابل اتکا باشد. از طرف دیگر، وجود یک استاندارد مشخص در این زمینه به ارائه اطلاعات مفید کمک می‌کند. زیرا اگر اطلاعات قابل فهم بوده و قابلیت مقایسه داشته باشد، توان ارزیابی استفاده کننده را افزایش می‌دهد.

با توجه به نبود استاندارد حسابداری ملی، الگوی تحلیلی با استفاده از دلایل انتشار و نیز مبانی نتیجه‌گیری، بیانیه شماره ۱۵۸ (FAS158) تدوین و بر اساس آن سؤالات پرسشنامه طراحی شد.

جدول ۱. الگوی تحلیلی پژوهش

منابع	موضوع	شاخص
FAS 158 2006	کارفرمایان ملزم به گزارش وضعیت مزاد و کسری وجوه طرحهای بازنشستگی در متن صورتهای مالی می‌باشند.	کامل بودن
FAS 158 2006	کارفرمایان ملزم به شناخت تمام رویدادهایی می‌باشند که مزاد و کسری وجوه طرح روی آنها اثر می‌گذارد.	به موقع بودن
FAS 158 2006	کارفرمایان ملزم به شناخت تعهدات است و تنها اصلاح و ارائه مجدد اطلاعات مربوط به بازنشستگی در یادداشت‌های توضیحی کافی نیست.	قابل فهم بودن
بارث ۱۹۹۱	اقدام بازنشستگی شرکتی که خالص داراییها و بدهیهای بازنشستگی را شناسایی کرده بودند، نسبت به شرکتی که این اقدام را تنها افشا نموده بودند، با قیمت سهام رابطه نزدیکتری داشت.	مربوط بودن
هان و همکاران ۲۰۰۷	شناخت کامل و بلادرنگ سود و زیان اکچوئری به شدت نوسان هزینه‌های بازنشستگی را افزایش می‌دهد و در نتیجه ثبات سود کاهش می‌یابد.	مربوط بودن و قابل اتکا بودن
دیویس و فرایدی ۱۹۹۹	هم افشا و هم شناخت اقدام بازنشستگی توسط بازار سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما همبستگی بین تعهدات بازنشستگی و قیمت سهام در زمان شناسایی بیشتر از زمان افشاست.	کامل بودن (قابل اتکا بودن)

ساختار، پایایی و روایی پرسشنامه

پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال بوده که با استفاده از پیش نویس استانداردهای بین‌المللی و تحلیل متن آنها و نیز الگوی تحلیلی تهیه شده بر مبنای استانداردها، تدوین شد. پرسشنامه با مقیاس ۵ رتبه‌ای (طیف لیکرت) می‌باشد و کمترین امتیاز (عدد ۱) به «کاملاً مخالفم» و بیشترین امتیاز (عدد ۵) به «کاملاً موافقم» اختصاص دارد.

هدف و منظور از پایایی (قابلیت اعتماد) پرسشنامه این است که در زمانهای مختلف قابلیت استفاده داشته باشد. یکی از معروفترین معیارهای سنجش پایایی، استفاده از معیار آلفای کرونباخ است. با استفاده از نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹۴ محاسبه شد که نشان می‌دهد معیار سنجش از پایایی خوبی

برخوردار است.

منظور از روایی، میزان انعکاس درست دنیای واقعی توسط داده هاست. جهت کسب اطمینان از روایی، پرسشنامه مقدماتی که بر مبنای ادبیات و پژوهشهای قبلی و تحلیل متن استانداردهای مربوط طراحی شده بود در اختیار ۱۵ تن از کارشناسان آشنا به طرحهای بازنشستگی قرار گرفت تا نظرات اصلاحی خود را در مورد شکل ظاهری و محتوای سؤالات انتخاب شده اعلام نمایند.

اطلاعات صورتهای مالی شرکتهای نمونه

بر اساس بررسیهای انجام شده، صندوقها و سازمانهای بازنشستگی در کشور به شرح زیر شناسایی شده اند:

۱) سازمان بازنشستگی کشور. ۲) سازمان تامین اجتماعی. ۳) صندوق بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت. ۴) صندوق بازنشستگی صدا و سیما. ۵) موسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد. ۶) صندوق بازنشستگی بانک مرکزی. ۷) صندوق بازنشستگی بیمه مرکزی و شرکتهای بیمه. ۸) صندوق بازنشستگی شهرداری تهران. ۹) صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز. ۱۰) صندوق بازنشستگی، وظیفه، از کار افتادگی و پس انداز مستخدمین بانکها. ۱۱) صندوق بازنشستگی شرکت مخابرات ایران. ۱۲) صندوق بازنشستگی هواپیمایی کشوری. ۱۳) صندوق بازنشستگی بنادر و کشتیرانی. ۱۴) صندوق معذوریت از کار و از کارافتادگی جهاد. ۱۵) صندوق وکلا و کارگشایان دادگستری. ۱۶) صندوق بازنشستگی پلیس قضایی. ۱۷) صندوق بازنشستگی عمران مراتع. ۱۸) صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح. ۱۹) صندوق بازنشستگی کارکنان وزارت اطلاعات. ۲۰) صندوق بازنشستگی نیروی انتظامی. (گروه کارشناسی مدیریت و تدوین استانداردها، ۱۳۸۳)

از میان صندوقهای مذکور، سازمان بازنشستگی کشوری، سازمان تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح از نوع طرحها با کمک معین می باشند که در حوزه این بررسی نیست، بنابراین از میان کارفرمایان عضو صندوقهای باقیمانده و

بر مبنای سطح دسترسی به اطلاعات صورتهای مالی شرکتها، نمونه قابل بررسی انتخاب و نحوه گزارشگری آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

برای بررسی فرضیه‌های ۱ و ۲ اطلاعات شرکتهای نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نام شرکتها و نحوه اداره طرحهای بازنشستگی توسط آنها به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۲. آمار توصیفی شرکتهای نمونه

نام شرکت / بانک	نحوه اداره طرحهای بازنشستگی
مخابرات ایران	یک کارفرمایی
فولاد مبارکه اصفهان	چند کارفرمایی
پالایش نفت اصفهان	چند کارفرمایی
فولاد خوزستان	چند کارفرمایی
ملی صنایع مس ایران	یک کارفرمایی
بانک مرکزی	یک کارفرمایی
بانک تجارت	چند کارفرمایی
بانک صادرات ایران	چند کارفرمایی
بانک ملت	چند کارفرمایی

نحوه گزارشگری طرحهای با مزایای معین در ایران: افشا یا شناخت

برای بررسی فرضیه اول، نحوه گزارشگری شرکت و بانکهای نمونه به سه گروه طبقه‌بندی شدند:

جدول ۳. نحوه گزارشگری طرحهای بازنشستگی

نحوه گزارشگری	نام شرکت / بانک	تعداد
شناخت	تجارت، ملت، صادرات، مخابرات، پالایش نفت اصفهان، ملی صنایع مس ایران	۶
نه شناخت و نه افشا	فولاد خوزستان، فولاد مبارکه اصفهان	۲
افشا	بانک مرکزی	۱

از آنجایی که فرضیه، افشا را در مقابل شناخت بررسی می‌کند، با استفاده از آزمون دو جمله‌ای (نسبت) فرضیه اول مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج آزمون در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتیجه آزمون فرضیه اول

گروه ها	نسبت آزمون	نسبت مشاهده شده	سطح معناداری
شناخت	۰/۵۰	۰/۸۶	۰/۱۲۵
افشا		۰/۱۴	

با توجه به اینکه سطح معناداری بزرگتر از ۵ درصد است، فرضیه صفر رد نمی‌شود و فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. یعنی شرکتها بیشتر، تعهدات بازنشستگی را شناسایی می‌کنند و تعداد کمتری از آنها تنها به افشای تعهدات می‌پردازند.

یکنواختی در گزارشگری مالی

برای بررسی فرضیه دوم، نحوه گزارشگری تعهدات بازنشستگی شرکتهای نمونه به ۵ گروه کلی به شرح زیر طبقه بندی شدند:

جدول ۵. نحوه گزارشگری طرحهای بازنشستگی

نحوه گزارشگری	نام شرکت / بانک	تعداد
شناخت با افشای رویه	تجارت، ملت و صادرات	۳
شناخت بدون افشای رویه	پالایش نفت اصفهان، ملی صنایع مس ایران	۲
نه شناخت و نه افشا	فولاد خوزستان، فولاد مبارکه اصفهان	۲
افشا به عنوان اقلام زیر خطی	بانک مرکزی	۱
شناخت و افشا	مخابرات ایران	۱

برای آزمون فرضیه دوم از آزمون کای دو استفاده شد. طبق فرضیه صفر این آزمون، توزیع طبقات مختلف یکنواخت است. به عبارت دیگر یک روش غالب که به معنی یکنواختی آن روش در شرکت‌های مختلف باشد وجود ندارد. نتایج آزمون به شرح جدول ۶ می‌باشد:

جدول ۶. نتیجه آزمون فرضیه دوم

مقدار آماره کای دو	سطح معناداری
۱/۵۵۶	۰/۸۱۷

با توجه به اینکه سطح معناداری بزرگتر از ۵ درصد است، لذا در گزارشگری تعهدات طرحها با مزایای معین یک روش غالب و یکنواختی وجود ندارد و شرکتها تنها به نسبت مشابه از روش‌های گوناگون استفاده می‌کنند.

سودمندی نحوه گزارشگری طرحها با مزایای معین برای استفاده کنندگان و ضرورت تدوین استاندارد حسابداری در این زمینه

فرضیه‌های ۳ و ۴ با استفاده از اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفتند. مشخصات پاسخ دهندگان به سوالات نشان داد که ۶۵/۸ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری و ۳۴/۲ درصد مدرک کارشناسی دارند. همچنین ۴۶/۸ درصد از اعضای نمونه حسابرس، ۳۴/۲ درصد کارشناس بورس و ۱۹

درصد حسابدار هستند. برای آزمون دو فرضیه از روش میانگین استفاده شد که نتایج آن در زیر ارائه گردیده است:

جدول ۷. نتایج آزمون میانگین برای بررسی فرضیه سوم و چهارم

فاصله اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین	سطح معناداری	مقدار آماره t	فرضیه‌های تحقیق
حد بالا	حد پایین				
۱/۲۱	۰/۹۲	۱/۰۶۲	۰/۰۰۰	۱۴/۵۰۲	سودمندی ارائه اطلاعات
۱/۳۳	۱/۰۶	۱/۱۹۵	۰/۰۰۰	۱۷/۱۴۰	ضرورت تدوین استاندارد

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون برای متغیرها کمتر از ۵ درصد است فرض صفر رد می‌شود. از طرفی با توجه به اینکه تفاوت در حد بالا و پایین مثبت است، میانگین از مورد آزمون (۳) بیشتر است. به عبارت دیگر: گزارش اطلاعات طرحهای با مزایای معین برای استفاده کنندگان سودمند است. در مورد ضرورت تدوین استاندارد حسابداری مالی در رابطه با طرحهای بازنشتگی با مزایای معین، نتایج آزمون مؤید این ضرورت است.

نتیجه گیری

با بررسیهای انجام شده روی صورتهای مالی شرکتهای نمونه مشخص شد که آنها به شیوه‌های متفاوت اقدام به گزارشگری تعهدات طرحهای بازنشتگی می‌نمایند. برای مثال بانکهای تجارت، صادرات و ملت برای تعهدات بازنشتگی خود بر مبنای مفروضات اکچوئری ذخیره می‌گیرند. در حالی که قبل از ورود به بورس تعهدات بازنشتگی را تنها به عنوان اقلام زیر خطی افشا می‌نمودند. بانک مرکزی همچنان داراییها و تعهدات بازنشتگی را به عنوان اقلام زیر خطی ترانزنامه افشا می‌کند. شرکت مخابرات ایران برای بخشی از تعهدات بازنشتگی ذخیره در نظر می‌گیرد، اما به عنوان بدهی جاری گزارش می‌نماید. شرکت مذکور بخش دیگر از تعهدات را به عنوان بدهی احتمالی تنها افشا می‌کند. شرکتهای فولاد خوزستان و فولاد مبارکه اصفهان علیرغم اینکه هزینه هنگفتی بابت مزایای بازنشتگان متحمل می‌شوند، هیچگونه شناخت و یا

افشایی برای این تعهدات انجام نمی‌دهند (از روش نقدی استفاده می‌کنند). همچنین افشای رویه‌های حسابداری مربوط در نمونه مورد بررسی نیز با هم متفاوت بود. به طور مثال برخی از شرکتها تعهدات را شناسایی کرده بودند در حالی که مشخص نبود که این تعهدات چگونه اندازه‌گیری شده‌اند.

مفروضات اکچوئری به دلیل داشتن ماهیت برآوردی بسیار بحث‌برانگیز هستند، اما هیچ افشایی درباره نرخ تنزیل مورد استفاده و نرخ بازده سرمایه‌گذاری دارایی‌های طرح صورت نمی‌گیرد. این شیوه گزارشگری متفاوت و عدم وجود یک رویه مشخص، می‌تواند به دلیل نبود یک استاندارد در این زمینه باشد.

در بخش دیگر پژوهش به نیاز اطلاعاتی استفاده‌کنندگان پرداخته شد. با بررسی داده‌های بدست آمده از پرسشنامه‌ها، این نتیجه حاصل شد که حساب‌برسان، سرمایه‌گذاران و به طور کلی استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، ارائه اطلاعات طرحهای بازنشستگی در صورتهای مالی و یادداشتهای توضیحی را سودمند می‌دانند و معتقدند که به دلیل اهمیت بحث حسابداری طرحهای بازنشستگی تدوین یک استاندارد جدید در این زمینه ضرورت دارد.

در ایران سازمانهای بزرگی متولی طرحهای بازنشستگی هستند، لذا در صورت انعکاس درست تعهدات بازنشستگی در صورتهای مالی آنها، تغییر زیادی روی ترازنامه و شاخصهای کلیدی آنها خواهد داشت. برای مثال یکی از بانکهای دولتی خصوصی شده در سال ۸۵ مبلغ ۱۱۷۵۰ میلیارد ریال تحت عنوان ارزش فعلی تعهدات بازنشستگی، جزء اقلام زیر خط ترازنامه گزارش کرده بود، اما از ابتدای سال ۸۶ برای رعایت شرایط پذیرش در بورس ملزم به شناخت این تعهدات در ذخایر مربوط گردید که این رقم ۲۸۶۰ میلیارد ریال شناسایی شد. دلیل اصلی این تفاوت، تغییر در مفروضات مورد استفاده در روش افشا نسبت به روش شناخت است. با بررسی نسبت کفایت سرمایه این بانک ملاحظه می‌شود که در سال ۸۵، این نسبت معادل ۷/۹ درصد بوده ولی در سال ۸۶ به ۴/۹ رسیده که بخش قابل توجه از این کاهش به خاطر منظور نمودن ذخیره جهت تعهدات مربوط به صندوق بازنشستگی می‌باشد. در مورد دیگر بانکهای دولتی تازه خصوصی شده نیز این مورد

مصادق دارد. این تفاوت، تردیدهای جدی در مورد نحوه اندازه گیری تعهدات مطرح می کند و بیانگر آزادی عملی است که مدیران می توانند در برآورد هزینه و تعهدات بازنشتگی اعمال کنند و در غیاب یک استاندارد مشخص، این مشکل بیشتر خواهد شد. البته آثار اقتصادی عدم شناخت تعهدات بازنشتگی در حوزه این بررسی نبوده است، اما با ملاحظه این ارقام ضرورت تدوین یک استاندارد جدید بیشتر مشخص می شود.

در کل نتایج این تحقیق حکایت از عدم یکنواختی در گزارشگری تعهدات بازنشتگی در صورتهای مالی شرکتها دارد و لزوم تدوین یک استاندارد جدید از نگاه استفاده کنندگان صورتهای مالی احساس می شود. همچنین استفاده کنندگان صورتهای مالی معتقدند که ارائه اطلاعات مربوط به طرحهای بازنشتگی در صورتهای مالی کارفرما سودمند است.

محدودیتهای تحقیق

- عدم دسترسی به اطلاعات صورتهای مالی بسیاری از شرکتهای خارج از بورس که طرح بازنشتگی با مزایای معین دارند و همین امر می تواند منجر به سوء گیری در آزمون فرضیه اول شود.
- پژوهش معطوف به شکل گزارشگری بوده نه نحوه اندازه گیری، بنابراین در حالی که شرکتها تعهدات را شناسایی کرده بودند، امکان اندازه گیری نادرست وجود داشت که امکان بررسی فراهم نشد.
- انتخاب نمونه بر مبنای سطح دسترسی به افراد و شرکتها صورت گرفته که می تواند بر نتایج پژوهش اثر داشته باشد.

پیشنهادات مبتنی بر نتایج تحقیق

- با توجه به اینکه بسیاری از اطلاعات مربوط به تعهدات بازنشتگی در صورتهای مالی ارائه نمی شود، به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود با بررسی بیشتر روی یادداشتهای توضیحی امکان ایفای تعهدات کارفرمایان را به شکلی منطقی تر

محک بزنند. همچنین بر مبنای ارقام هزینه مربوط و نوسان آن می‌توانند برآوردهای مناسبی انجام و ارقام صورتهای مالی را از این بابت تعدیل کنند.

- علیرغم اینکه شناخت، بیشتر در شرکتهای مورد بررسی استفاده شده است ولی با توجه به گزارشگری متفاوت در نحوه شناسایی طرحهای بازنشستگی در صورتهای مالی شرکتها، به تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری پیشنهاد می‌شود لزوم تدوین یک استاندارد جدید را در این زمینه بررسی کنند. همچنین بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار می‌توانند تا تدوین استاندارد لازم، دستورالعمل‌هایی در این زمینه بر مبنای استاندارد بین‌المللی تدوین و به بانکها و شرکتهای بورسی، اجرای آن را تکلیف کنند. این پیشنهاد با توجه به اثرات اقتصادی هزینه‌ها و تعهدات مربوط قابل بررسی بیشتر می‌باشد.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

- بررسی آثار و نتایج اقتصادی عدم شناسایی کامل تعهدات بازنشستگی در صورتهای مالی شرکتها
- بررسی روشهای اکچوئری مورد استفاده برای اندازه‌گیری تعهدات بازنشستگی شرکتها و اعتبار آنها به لحاظ مطابقت با استانداردهای بین‌المللی اکچوئری
- در ضمن بررسی شرکتهای نمونه مشخص شد که شرکتهایی که طرح بازنشستگی با مزایای معین دارند، هزینه‌های درمان و سایر هزینه‌های پس از بازنشستگی کارکنان را پرداخت می‌کنند و در این مورد نیز به روش نقدی عمل میکنند. پیشنهاد می‌شود ضرورت تدوین استاندارد برای این مزایا و نحوه عمل شرکتهای مختلف بررسی شود.
- در برخی از شرکتهایی که عضو یک صندوق بازنشستگی چند کارفرمایی می‌باشند، در صورت از کارافتادگی یا بازنشستگی قبل از سن مورد پیش بینی در صندوق، کارفرما راسا مزایا را پرداخت می‌کند. در این مورد نیز شرکتهای از روش نقدی استفاده می‌کنند، که این روش نیاز به تحقیق بیشتر دارد.

منابع و مأخذ

۱. دشتبان، محمد باقر (۱۳۷۳). بررسی لزوم تجدید نظر در مبنای حسابداری تعهدی برای بازخرید خدمت کارکنان در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حسابداری و مدیریت.
۲. رحمانی، علی (۱۳۷۲). حسابداری طرح های بازنشستگی و مزایای پایان خدمت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
۳. رحمانی، علی (۱۳۷۵). حسابداری مزایای پایان خدمت، فصلنامه بررسی های حسابداری، سال دوم، شماره پنجم.
۴. شباهنگ، رضا (۱۳۸۲). تئوری حسابداری، جلد دوم، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.
۵. گروه کارشناسی مدیریت و تدوین استانداردها - سازمان حسابرسی (۱۳۸۳). ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری برای صندوقها و سازمانهای بازنشستگی، فصلنامه حسابرس، سال ششم، شماره ۲۳.
6. Barth, M.E, Beaver, W.H. and Landsman, W.R. (1993). "A structural analysis of pension disclosures under SFAS 87 and their relation to share prices". *Financial Analysts Journal*, 49(1): 18-26
7. Davis-Friday, P.Y., Folami, Liu, C.-S. and Mittelstaedt, H.F. (1999). "The value relevance of financial statement recognition vs. disclosure: evidence from SFAS No. 106". *Accounting Review*, 74(4): 403-423
8. FASB (1985), "Employer's Accounting for Pensions", SFAS No.87
9. FASB (2006), "Employer's Accounting for Defined Benefit Pension and Other Post Retirement", SFAS No.158
10. FASB (2006), **Proposed Statement of Financial Accounting Standards, Exposure Draft of SFAS 158**, March 2006
11. Hann, R.N., Heflin, F. and Subramanyam, K.R. (2007a). "Fair-value pension accounting". *Journal of Accounting and Economics*, 44(3): 328-356
12. IASB (1998), "Employer Benefits", IAS, No.19
13. Wiedman, C.I. and Wier, H.A. (2004). "The market value implications of post-retirement benefit plans and plan surpluses – Canadian evidence". *Canadian Journal of Administrative Sciences*, 21(3): 229-241